



پیشینی

پیش به سوی

# طلایی اسلام تمدن پی

اشاره

علی رغم تهدیدات و چالش‌های فراوری جهان اسلام، «تمدن طلایی اسلام» تمدنی است دست‌یافتنی با پیشینه‌ای بس گرانسنگ و برخوردار از سرمایه اجتماعی و معنوی بس عظیم. سند چشم‌انداز بیست‌ساله تنظیم شده از سوی مقام معظم رهبری، مسیری است روشن برای دستیابی به قلعه تمدن اسلامی. نوشتار فراو، تگاهی است کوتاه به پیشینه و سرمایه‌های این تمدن به عنوان زیرساخت‌های اصلی پی‌ریزی تمدن طلایی و نیز بایدهای فرهنگی در مسیر دستیابی برای فتح این قلعه.



● علی‌الله‌اکبری

«روڈول» اسلام شناس انگلیسی، در مقدمه‌ای بر ترجمه انگلیسی قرآن می‌نویسد: «اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن است؛ همان کتابی که آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطا در اروپا، جلوه‌گر ساخت.»

فرهنگ و تمدن اسلامی در عین حفظ اصالت و شخصیت ویژه‌ای عناصر مثبت و سازنده فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر را در خود جذب و هضم کرد و از آن موجودی تازه پدید آورد.

آفتاب علم را در میان تاریکی قرون وسطا در اروپا، جلوه‌گر ساخت.<sup>۳</sup>

پروفسور مونتگمری وات در کتاب «تأثیر اسلام در اروپا» می‌نویسد: «ما اروپایی‌ها مدیون بودن فرهنگ‌مان را به اسلام نادیده می‌گیریم. ما اغلب اوقات، گستره و اهمیت تأثیر اسلام را به میراث فرهنگیمان دست کم می‌گیریم و بعضی اوقات حتی از آن به کلی چشم‌پوشی می‌کنیم... امروز ما اروپائیان غربی است که برداشت غلط خودمان را اصلاح کنیم و بر دینمان نسبت به جهان اسلام اعتراف نماییم.»<sup>۴</sup>

فرهنگ و تمدن اسلامی در عین حفظ اصالت و شخصیت ویژه‌ای عناصر مثبت و سازنده فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر را در خود جذب و هضم کرد و از آن موجودی تازه پدید آورد. فرهنگ‌های یونانی، هندی، ایرانی و غیره را به سوی خود کشاند و به صورت موجودی جدید و بسیار چهره و سیمایی مخصوص به خود ظهور و بروز یافت.<sup>۵</sup>

به جز دوران پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) که دین اسلام را آورد و دولت اسلامی را بنا نهاد و حضرت علی (ع) که مدت کوتاهی فرصت‌زمانداری و تشکیل حکومت بر مبنای اسلام اصیل و ناب، یافت؛ سایر ایام تاکنون هیچ‌گاه حکومت اسلامی بر مدار اصیل خود استوار نبوده و در طول دوران دچار انحراف‌ها، بدعت‌ها، اعمال سلیقه‌ها و تفسیر بر مبنای منافع

می‌یابد و استعدادهای علمی، فلسفی، فنی، هنری، ادبی و در یک کلام اندوخته‌های مادی و معنوی‌اش (تمدن) شکوفا می‌شود. با ظهور اسلام، بشر خود را در برابر آموزه‌هایی دید که هویت و نسبت او را با خداوند، جهان هستی، نفس خویش و انسان‌های دیگر به خوبی ترسیم کرده است. این تأثیر گذاری به حدی بود که بشر در مقابل آن، سر تسلیم فرود آورد و به این فرهنگ که از منابع اصیل اسلامی - قرآن و سنت رسول خدا (ص) - نشأت می‌گرفت، گردن نهاد و از آنجا که آن را با عقل و فطرت سلیم خود هماهنگ می‌دید، با رویی گشاده پذیرفت. این فرهنگ که از جهان‌بینی، هستی‌شناسی، جامعه‌نگری و انسان‌شناسی خاص اسلام سرچشمه می‌گرفت، پیر وانش را به سوی ایجاد تمدن بزرگی کشاند که بتواند نشان‌دهنده و حکایت‌گر چنین فرهنگ متعالی باشد. این فرهنگ و تمدن، چنان عظمت یافت که نخستین دگرگونی بزرگ را در محیط جاهلیت پدید آورد و ریگزار خشک و سوزان حجاز را به مرکز زایش فکر و فرهنگ تبدیل ساخت؛ سپس همچون خورشید که اندک اندک چتر زرین خود را بر فراز جهان می‌گستراند، از مرزهای محدود عربستان گذشت و در شرق و غرب گیتی گسترش یافت.

روڈول (G. M. Rodwell) اسلام‌شناس انگلیسی، در مقدمه‌ای بر ترجمه انگلیسی قرآن می‌نویسد: «اروپا نباید فراموش کند که مدیون قرآن است؛ همان کتابی که

از نشانه‌ها و نوشته‌های فراوان، مسلم شده است که بشر از ابتدای زندگی تا امروز، عقاید، اندیشه‌ها و احساس‌های روشنی درباره آرمان‌هایی داشته است که باید آنها را به دست آورد تا نهاد انسانی (انسان بودن) او را در برابر حیوان بودن سامان دهد. می‌توانیم این ویژگی انسان را فرهنگ‌بنامیم. تمدن، همراه با فرهنگ و چون نشانی از آن است نه اینکه در مقابل فرهنگ و جدا از آن باشد، چنان که جدایی سایه از نور قابل تصور نیست. فرهنگ روح تمدن به شمار می‌رود و بدون آن، چون جسمی را کند و بی‌تحرک خواهد بود.

بر این اساس، با تحول ژرف در اجزای تشکیل دهنده یک فرهنگ، نمود مادی و معنوی آن (تمدن) نیز تغییر اساسی خواهد کرد؛ چنانکه پس از رنسانس (قرن ۱۴ و ۱۵ میلادی) با تغییرات جدی در نظام‌های باور، ارزش و رفتار، تحولات تازه‌ای در اندوخته‌های مادی (علوم تجربی) و ساخته‌های معنوی (علوم انسانی) رخ داد.<sup>۶</sup>

دین با ظهور خود، فرهنگ خاص و نوی را به جامعه بشری عرضه داشته و انسان‌ها را بدان فرا می‌خواند؛ با حضور دین، تحول و ثمر بخشی در اندیشه و روح آدمی پدید می‌آید؛ به انسان طرز تفکری نو می‌دهد، اخلاق و تربیت او را بهبود می‌بخشد، نسبت‌ها و نظام‌های کهنه و دست و پاگیرش را برانداخته، به جای آنها نظام‌هایی زنده، پایا و پویا جایگزین می‌سازد و اندیشه‌هایی عالی به وی الهام می‌کند. در پرتو چنین تحولی، زندگی اقتصادی او بهبود

امروزه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران،  
میراث‌دار فرهنگ و تمدن عظیم اسلامی - ایرانی، و  
داعیه‌دار تنظیم ساختارهای حکومتی، علمی، فرهنگی  
و... خود بر مبنای اسلام اصیل است.

شاید بتوان افق اصلی چشم‌انداز را زمینه‌سازی  
برای ظهور منجی موعود، حضرت بقیه‌الله‌الاعظم  
(عج)، دانست و تمامی اقدامات علمی، فرهنگی،  
اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... را در آن  
جهت به کار گرفت.

گمنامی به در آید؛ تلاش و خدمت صادقانه و خالصانه را وجهه همت خویش قرار داده، پا در رکاب عمل گذارند. ابتدا وضعیت موجود را با توجه به پیشینه علمی، فرهنگی و تاریخی همراه با آفت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها مشخص کنند؛ سپس وضعیت مطلوب و ایده‌آل چشم‌انداز را با معیارها و شاخص‌های آن کاوش نموده، باز شناسند و سرانجام برنامه عملیاتی رسیدن به هدف را با استفاده از همه امکانات، منابع، یافته‌ها و داشته‌ها با توجه به رهنمودهای حکیمانه پیر فرزانه، حضرت امام خمینی (ره)، و بیانات خردآمیخته و راهگشای مقام معظم رهبری پی‌ریزی کنند، تا بتوانیم بر ساحل آبی آرمان بلندآفرینش انسان بایستیم، و ظهور آخرین خورشید هدایت، حضرت مهدی موعود (عج)، را به نظاره بنشینیم و مقدم نورانی و طلعت آفتابی‌اش را سلام دهیم. چنین باد!

#### پاورقی‌ها

۱. کاشفی، محمدرضا، دین و فرهنگ، فصل اول، بحث فرهنگ و تمدن.
۲. کاشفی، محمدرضا، مسیحیت و فرهنگ در غرب، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، تهران، فصل دوم و سوم.
۳. نیک‌بین، نصرانه، اسلام از دیدگاه اندیشمندان غرب، ص ۴۷.
۴. رات، سوتنگری، تأثیر اسلام در اروپا، ترجمه یعقوب آژند، ص ۱۰.
۵. همان، ص ۱۲۸.
۶. مطهری، مرتضی، اشنایان با علوم اسلامی: منطق و فلسفه، ج ۱، صص ۱۴ و ۱۵.
۷. سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران.

ساله» ای برای کشور نوشته شده و ایران در آفاق ۱۴۰۴ هجری شمسی به لحاظ فرهنگی چنین دیده شده است: «توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی و منی و انقلابی، برخوردار از دانشی پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل و...». گرچه شاید بتوان افق اصلی چشم‌انداز را زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود، حضرت بقیه‌الله‌الاعظم (عج)، دانست و تمامی اقدامات علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... را در آن جهت به کار گرفت.

فرهنگ و تمدن اسلامی، نسخه کامل، جامع و همیشگی بشر است؛ زیرا اسلام، خاتم ادیان و پیامبرش خاتم پیامبران است و لازمه خاتم بودن، کامل و جامع بودن است. اسلام، کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان؛ و حضرت محمد (ص)، عصاره خلقت و کامل‌ترین انسان‌هاست. باید این نسخه کامل را که از دو منبع اصیل و جوشان قرآن و سنت سرچشمه می‌گیرد، درست به کار گیریم تا به هدف اصلی برسیم.

دیروز اندیشمندان و صاحب‌نظران بزرگی داشتیم: مطهری‌ها، بهشتی‌ها، آوینی‌ها و... در رأس آنان حضرت روح‌الله (ره)؛ امروز برای رسیدن به این هدف بزرگ، بیش از پیش به چنین انسان‌هایی نیاز داریم. بر دانشمندان، کارشناسان و صاحب‌نظران متعهد و متخصص عرصه دانش و فرهنگ است که برای رسیدن به این افق، از

شخصی و قومی بوده است. امروزه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، میراث‌دار فرهنگ و تمدن عظیم اسلامی - ایرانی، و داعیه‌دار تنظیم ساختارهای حکومتی، علمی، فرهنگی و... خود بر مبنای اسلام اصیلی است که از کتاب وحی و سیره و سنت رسول خدا (ص) و جانشینان بر حقیق وی، ائمه معصومین (ع)، سرچشمه می‌گیرد. افزون بر این، چشم امید ملت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه و مسلمانان این کشورها به نظام اسلامی ایران است و آن‌را الگوی خویش قرار داده‌اند.

عظمت و مجد فرهنگ و تمدن اسلامی را که در فرازهای پیشین بدان پرداختیم از یاد نبریم: نیز توجه داشته باشیم که این نظام اسلامی، نعمت‌بزرگی است که پس از قرن‌ها رنج و زحمت انبیا عظام، امامان پاک نهاد و معصوم (ص) و علما و اندیشمندان اسلامی، و به برکت قیام و نهضت‌بنیانگذار کبیر آن حضرت امام خمینی (ره)، همت والای مردم مسلمان ایران و اهدای جان‌های پاک بی‌شماری به دست ما سپرده شده و تنفس ما در فضای معنوی و زندگی در سایه امن آن، امکان یافته است.

اولین وظیفه آن است که شکر این نعمت و موهبت را به جا آوریم و آن را قدر بدانیم. سپس به مقتضای فرهنگ اسلام که پایا و پویا است، به توسعه و تعمیق آن بپردازیم و آن را براساس نیازهای امروز استوار ساخته و به سوی هدف متعالی آفرینش پیش ببریم. چنانکه می‌دانید، «سند چشم‌انداز بیست